

جهان‌شهر

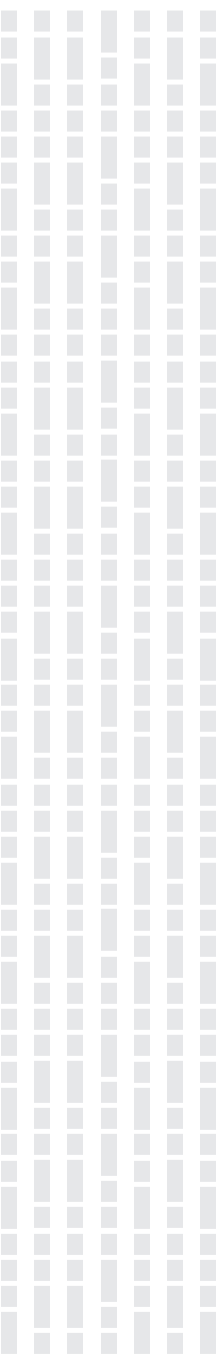
پنجشنبه ۲ آذر ۱۴۰۲

شماره ۴۰۱۵

www.fdn.ir

فاریختگان

FARHIKHTEGANDAILY



فاریختگان

مهم‌ترین پیام پذیرش آتش بس موقت شکست نتانیاهو در پروژه آزادی اسرا در میدان است

خبرهای راست را از آتش بس بشنوید

سیدمهدی طالبی

خبرنگار گروه جهان‌شهر

کوه رژیم صهیونیستی موش زاپید، روز گذشته کابینه این رژیم برای بررسی توافق آتش بس تشکیل جلسه داشت و از ۲۸ عضو کابینه، ۳۵ نفر با آن موافقت کردند و تنها سه نفر به آتش بس رای منفی دادند؛ ایتمار بن گویبر وزیر امنیت ملی و دو نفر از اعضای حزب سیاسی راست افراطی او. علاوه بر کابینه، ارتش و سرویس های اطلاعاتی اسرائیل نیز گزارش داده‌اند که از توافق آتش بس بین حماس و تل‌آویو حمایت کرده‌اند. شدت تحقیر از توافق دولت صهیونیستی با حماس به اندازه‌ای بود که آنها از تعهدشان به ادامه تلاش‌ها برای آنچه «درهم شکستن» حماس می‌خوانند هم گفتند.

از ابتدای جنگ هیچ قراری بر آتش بس نبود. طرف اسرائیلی پایان جنگ را به دو موضوع گره زده بود: «نابودی حماس» و «آزادی اسرا». از همین روز نیز نتانیاهو و متحدانش سرسختانه مخالف هرگونه توقف در جنگ بودند و در برابر درخواست‌های آتش بس نیز به شدت مقابله می‌کردند اما حالا چغه اتفاقی افتاده است که آنها با واسطه با گروهی که قرار بود نابودشان کنند، مذاکره کرده و به توافق هم دست پیدا کرده‌اند.

در میانه گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آتش بس، الجزیره نوشت از همان روز اول روشن بود که هدف اولیه از چنین تهاجم بی‌رحمانه‌ای به اهداف غیرنظامی فلسطینی، نظامی نبود. در ابتدای جنگ بسیاری از تحلیلگران بر این باور بودند که حملات شدید هوایی به مردم فلسطین نشان می‌دهد که نیروهای مسلح درحال انجام کاری هستند و با ورود نیروهای زمینی بمباران کاهش می‌یابد. اما هیچ تحلیلگری جنون دور ووار صهیونیست‌ها را در قالب یک عملیات پیرومندانه معنا نمی‌کرد. در هفته اول جنگ، ارتش صهیونیستی شش هزار بمب روی غزه پرتاب کرد. بزرگی این رقم را وقتی می‌توان درک کرد که بدانیم در سال ۲۰۱۹، ایالات متحده درطول یک سال، ۷۴۰۰ بمب در کل افغانستان پرتاب کرد.

موشک، بمب، جنگنده و حتی ورود زمینی نتوانست روی زمین معادله را تغییر دهد. یک مقام نظامی ماه گذشته به گاردین گفت که او و همکارانش همیشه می‌دانستند اسرائیل برای بازگشت اسرا باید «بهای دردناکی» بپردازد. اما در مقابل حماس موقعیت قهرمانانه‌ای با آزادی اجباری زندانیان زن و کودک فلسطینی به‌دست خواهد آورد.
باین حال واضح است که بسیاری از زیرساخت‌های حماس دست‌نخورده است و هرگونه توقف در جنگ، به حماس فرصتی برای سازماندهی مجدد می‌دهد. ارتش اسرائیل اعلام کرده که تاکنون ۶۸ سرباز صهیونیست در عملیات زمینی کشته شده‌اند، باین حال کار از بین بردن تهدید حماس ناقص مانده است.

چرا آتش بس؟

اگرچه این آتش بس موقت است، در هر حالت برای رژیم صهیونیستی پذیرش آن یک «پاخت» بزرگ است. اکنون و درپی این توافق، با دوسوال مهم طرف هستیم؛ «چرا اسرائیل به آتش بس تن داد؟ و معنای آتش بس چیست؟»

۱ ناکامی در جنگ

بزرگ‌ترین ضعف ارتش رژیم صهیونیستی، ناتوانی مقاومت دربرابر جنگ‌هایی است که عمرشان از چند هفته عبور می‌کند و وارد ماه نخست و دوم می‌شود. استراتژیست‌های نظامی اسرائیل نیز به این مساله واقف بودند و از همین رو تلاش کرده‌اند با بمباران سنگین هوایی و نابودی منازل، مساجد و مدارس، زمینه را برای سرعت پیشرفت زمینی فراهم کنند. طبق بیانیه‌های گردان‌های قسام، از زمان آغاز جنگ زمینی، بیش از ۲۰۰ فرزند تانک و نفربر یا خودروی نظامی اسرائیل منهدم شده است. در مقابل اما ارتش صهیونیستی به جز تخریب منازل و مدارس، هیچ دستاورد نظامی قابل‌توجهی کسب نکرد و نه‌تنها نتوانست حتی یک اسیرش را آزاد کند که در هدف بزرگ‌تر یعنی نابودی حماس هم تا امروز ناکام مانده است.

۲ تاب‌آوری

یکی از موانع کشورها برای ورود به جنگ، هزینه‌های سرسام‌آور آن است. با طولانی‌تر شدن جنگ، جدا از بالا رفتن هزینه‌های یک کشور، درآمد آن نیز دچار اختلال خواهد شد. از همین

مفاد آتش بس موقت در غزه

حماس در بیانیه‌ای جزئیات توافق آتش بس را منتشر کرده است. براساس این بیانیه، آتش بس شامل توقف تمامی اقدامات نظامی ارتش اشغالگر در تمامی مناطق نوار غزه و توقف تحركات جنگ افزراهای دشمن در غزه است. این آتش بس همچنین شامل ورود کمک‌های انسانی، پزشکی و سوخت به مناطق غزه بدون استثنا از شمال تا جنوب است. در بیانیه حماس آمده است که بر اساس این آتش بس، ۵۰ نفر از اسرای دشمن اعم از زن و کودکان کمتر از ۱۹ سال در مقابل ۱۵۰ نفر از اسرای زن فلسطینی و کودکان کمتر از ۱۹ سال در زندان‌های رژیم صهیونیستی، آزاد خواهند شد. توقف پرواز جنگنده‌ها و پهپاد‌های اسرائیلی در جنوب نوار غزه طی این چهار روز به مدت شش ساعت در روز از ۱۰ صبح تا چهار عصر هم از بند‌های مورد توافق این آتش بس موقت عنوان شده است. در روزهای آتش بس موقت، باید ترد آزادانه مردم در نوار غزه تضمین شود و به ویژه در خیابان صلاح‌الدین کسی مورد حمله قرار نگیرد و تردد از شمال نوار غزه به جنوب آن امکان پذیر باشد. در این مدت همچنین نباید اشغالگران به احدی حمله کنند یا احدی را در کل غزه بازداشت کنند. حماس بیان کرد: مفاد این توافق بر اساس چشم‌اندازی تدوین شده که هدف آن خدمت به ملت فلسطین و تقویت ایستادگی آنان در برابر حملات و جنایات دشمن و نگاه مقاومت همواره به جان‌فشانی‌ها و رنج و درد‌های ملت باشد.

رو بعد از ورود جنگ به روز چهلم، عنصر تعیین‌کننده، تاب‌آوری هر یک از دو طرف این جنگ بود.

«فرهیختگان» در ۲۴ آبان در گزارشی با عنوان «جنگ تاب‌آوری» به شاخص‌های تاب‌آوری صهیونیست‌ها در جنگ اشاره کرد و نوشت که جنگ باعث شکل‌گیری سیلی از مهاجران و آوارگان در سرزمین‌های اشغالی شده است. تداوم جنگ مهاجران را ناچار خواهد کرد در کشورهایی که احتمالا تابعیت آن را دارند، برای همیشه ماندگار شوند. از سوی دیگر چترصد هزار آواره در شمال و جنوب سرزمین‌های اشغالی نیز نمی‌توانند برای مدت زیادی در اردوگاه‌ها و مکان‌های موقت زندگی کنند. مساله دیگر تلفات انسانی جنگ برای صهیونیست‌ها بود. آنها حداقل در یک روز ۱۲۰۰ نفر را از دست داده‌اند که ۳۰۰ نفر آنان نظامی و بخش قابل‌توجهی نیز نیروهای ذخیره بودند. در جریان حمله زمینی نیز چند ده نفر کشته داده‌اند. خانواده اسرا، کشته شده‌ها و زخمی‌ها نیز در روند تصمیم‌گیری برای آتش بس مؤثر بودند. در آخرین تجمع اعتراضی خانواده اسرا، بیش از ۲۰ هزار نفر شرکت کردند. خانواده اسرا داتما در برابر ساختمان‌های دولتی تظاهرات می‌کنند تا دولت فرزندان‌شان را آزاد کند. تداوم جنگ و اسارت این افراد، شرایط برای ادامه دادن جنگ را سخت می‌کرد و از این رو افکار عمومی فشار بر دولت برای پایان دادن به این جنگ پرزینه را افزایش دادند. اکنون احتمالاً پس از آزادی ۵۰ اسیر صهیونیست، فشارها بر دولت برای توقف جنگ و آزادی سایر اسرا شدت خواهد گرفت.

در کنار تمام تبعات جنگ، نمی‌توان از هزینه‌های اقتصادی چشم‌پوشی کرد. علاوه بر خسارت‌های نظامی، حجم خسارت‌های اقتصادی به رژیم صهیونیستی در حدی است که رژیم ناگزیر شده بودجه ووزارتخانه‌های مختلف خود را صرف مصارف نظامی کند. آنتور که یوآو بن تسور، وزیر کار رژیم صهیونیستی گفته اسرائیل در شرایط اقتصادی پیچیده‌ای قرار دارد و هر روز متحمل هزینه سنگین یک میلیارد شکلی (۲۶۷ میلیون دلاری) می‌شود. او پیش‌بینی کرد که جنگ کنونی با هزینه سنگین ۲۰۰ میلیارد شکل یعنی ۵۴ میلیارد دلاری به پایان برسد.

مجموع این شرایط باعث شد تا صهیونیست‌ها حداقل برای چند روز هم که شده از آتش جنگ بکاهند تا شاید فرصتی برای پایان دادن به درگیری‌ها به وجود بیاید.

۳ ضربه به آمریکا

مقاومت اسلامی با هوشیاری در این جنگ، تقسیم کار کرد و علاوه بر تل‌آویو، حامی اصلی آن یعنی آمریکا را نیز به زیر ضربه برد. آن‌گونه که سابرینا سینگ، معاون سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفته، از ۱۷ اکتبر پایگاه‌های این کشور در عراق و سوریه، به ۶۶ مرتبه مورد حمله قرار گرفته‌اند. این حملات منجر به مجروح شدن ۶۲ نظامی آمریکایی شده است. تداوم جنایت صهیونیست‌ها در غزه، به تداوم عملیات علیه پایگاه‌های ارتش آمریکا منجر می‌شد. از همین رو آمریکا که قصدی برای ورود مستقیم به جنگ نداشت، تلاش کرد تا با کاستن از شدت تلاش‌ها، رژیم صهیونیستی را به سمت پایان دادن به جنایاتش هدایت کند.

۴ فشارهای بین‌المللی

رژیم صهیونیستی در این جنگ وجهه بین‌المللی خود را به طور کامل از دست داد. با وجود حمایت‌های برخی دولت‌ها، افکار عمومی در جهان به طور کامل در برابر صهیونیست‌ها قرار گرفتند و این باعث شد برخی دولت‌ها نیز در اثر فشار مردمی، مواضع‌شان در برابر اسرائیل را تغییر دهند و فشار بر تل‌آویوو برای پایان دادن به جنگ را شدت بخشند. هفته گذشته مرکز امنیت داخلی اسرائیل اعلام کرده است از زمان اعلام روز خشم توسط حماس در ۱۳ اکتبر تعداد تظاهرات ضداسرائیلی در دنیا به شکل قابل‌توجهی افزایش یافت و درحال حاضر ۹۵ درصد این تظاهرات در حمایت از فلسطین و ضداسرائیل است و تنها پنج درصد از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند. تداوم جنایت علیه فلسطینی‌ها علاوه‌بر اینکه آورده‌ای در میدان برای اسرائیل نداشت، منجر به شکل‌گیری یک جبهه جهانی علیه آن می‌شد و این بزرگ‌ترین تهدید برای صهیونیست‌ها بود.

معنای آتش بس

عاموس یادلین که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ رئیس اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل (آمان) بوده است در یادداشتی که ۳۰ آبان در «فارن‌افرز» منتشر شده، هدف واقعی حمله زمینی به غزه را «تحقیر حماس و جهاد اسلامی و تخریب زیرساخت‌های نظامی اعم از تاسیسات، ستاد فرماندهی، مراکز ارتباطی و انبارهای تسلیحاتی» عنوان می‌کند. با آتش بس آشکار شده که اهداف رسمی اعلام‌شده توسط دولت رژیم مانند «کوجاندن مردم به مصر»، «تخلیه کامل شمال غزه»، «نابودی مقاومت» و «آزادی اسرا» هیچ‌کدام به ثمر نرسیده است

اما درباره اهداف واقع‌بینانه‌ای که یادلین از آنها صحبت کرده نیز تردیدهایی وجود دارد. حماس که در عملیات ۷ اکتبر بنا به اعتراف صهیونیست‌ها ۱۲۰۰ صهیونیست را کشته و پس از آتش بس نیز تقریباً ۲۰۰ اسیر را نزد خود نگاه خواهد داشت، چگونه تحقیر شده است؟ حماس و نیروهای مقاومت حاضر در غزه به عنوان گروه‌های شبه‌نظامی فاقد درایی‌هایی هستند که ارتش‌ها از آن برخوردارند؛ مانند تانک، ادوات سنگین، سامانه‌های راداری و پدافندی، نیروی دریایی و مواردی مانند آنها. آسیب‌رسانی به گروه‌های شبه‌نظامی بسیار دشوارتر از آسیب به ارتش‌هاست. به همین دلیل با وجود یک ماه عملیات زمینی در غزه، حملات راکتی از این منطقه به سرزمین‌های اشغالی ادامه داشت و روزانه نیز بیش از ۲۰ وسیله زرهی صهیونیست‌ها مورد هدف قرار می‌گرفت. در این بین هیچ‌کدام از فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی حماس دستگیر نشده و تعداد کمی از آنها به شهادت رسیدند.

این به معنای عدم آسیب به حماس نیست زیرا با طولانی شدن جنگ از میزان پرتاب‌های راکتی کاسته شد اما ضعف غزه را دیگر جبهه‌ها جبران کردند. بهای طولانی شدن جنگ غزه، وحدت میدان‌ها و هماهنگی میان ضلع‌های محور مقاومت در منطقه بود که به لحاظ نیروی انسانی و امکانات تسلیحاتی قابل مقایسه با غزه نیستند.

اگر پس از آتش بس جنگ دوباره آغاز شود، آن جبهه‌ها نیز فعال خواهند شد. اگر جنگ پس از وقفه‌ای چندساله، مدت‌ها بعد آغاز شود، این معادله برقرار خواهد بود. این پدیده شاید برای نخستین بار در جریان جنگ سیف‌القدس در سال ۲۰۱۱ رخ‌نمایی کرد؛ جایی که چند راکت از جنوب لبنان به شمال فلسطین اشغالی پرتاب شدند و دست‌کم یک پهپاد وارد حریم هوایی کرانه باختری شد، اما با این حال وحدت میدان‌ها در آن جنگ تثبیت نشده بود. امروز اما به لحاظ سیاسی و نظامی، پروژه «وحدت میدان‌ها» به سطح خوبی رسیده است. رژیم صهیونیستی به شکل رسمی از سمت لبنان، سوریه، یمن و عراق با حمله روبه‌رو شد که شدت آنها در سمت لبنان بسیار شدید بود.

حماس اگر به زعم مقامات تل‌آویو تنبیه شده و امکاناتش تضعیف شدند، اما به جای حماس پای چندین کشور و گروه مقاومتی به معادلات داخلی فلسطین اشغالی باز شد. همزمان نیز نباید از تضعیف همزمان امکانات صهیونیست‌ها عبور کرد. در جریان جنگ زمینی، صهیونیست‌ها تقریباً با آسیب دیدگی ۷۰۰ خودروی زرهی خود از تانک گرفته تا بولدوزر مواجه شدند. این خودروها بیش از ۲۰۰۰ سرنشین نیز داشته‌اند که تعدادی از آنها کشته و مابقی جزء زخمی‌ها هستند. این آمارها و تحولات چیزی جز «شکست رژیم صهیونیستی» را نمی‌رسانند.

پیامدهای آتش بس

رژیم صهیونیستی پس از آتش بس با چند پیامد مهم مواجه خواهد شد.

فشار افکار عمومی بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی در حین جنگ بر پایان بخشیدن بر آن متمرکز بود اما پس از آن این فشارها بر «راهکار ۲دولتی» قرار می‌گیرند. این موضوع در مقاله اخیر جو بایدن در واشنگتن‌پست نیز منعکس شده است. او در این مقاله نوشته بود «راه‌حل دکوشور» «تنها راه برای اطمینان از امنیت درازمدت دو مردم اسرائیل و فلسطین» است. او تأکید کرده بود فلسطینی‌های غزه نباید مجبور به مهاجرت شوند، غزه نباید مجدداً اشغال شود و نباید شاهد محاصره و کاهش قلمروی غزه باشیم. علاوه‌بر آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین متحد، اروپا به همراه چین و روسیه نیز اصرار خود به راهکار ۲دولتی را افزایش داده‌اند و همزمان محور مقاومت نیز با تأکید مجدد بر برگزاری همه‌پرسی در فلسطین اشغالی، به نوعی دیگران را برای این اصرار تحریک کرده است. کانالیزه کردن تل‌آویو در مسیر ۲دولتی، شکاف‌های داخلی در رژیم را که دارای جامعه‌ای راستگراست افزایش داده و می‌تواند تبعات وخیمی برای آنها داشته باشد.

با پذیرش آتش بس، موضوع جنگ برای رژیم حل‌وفصل خواهد شد اما تبعات و بازسازی خسارت‌ها به میزانی زیاد است که جبران آن همچنان انرژی‌بر خواهد بود. صهیونیست‌ها باید شهرک‌های صهیونیست‌نشین اطراف نوار غزه را که به «غلاف غزه» مشهور است، بازسازی کرده و به برنامه‌ریزی برای تشویق آوارگان برای بازگشت به محل سکونت خود مشغول شوند. همزمان رژیم باید تلاش کند نزدیک به ۳۰۰ هزار صهیونیستی را که از فلسطین اشغالی خارج شده‌اند، به بازگشت متمایل کند. طولانی شدن جنگ باعث شده بسیاری از آنها احتمالاً برای زندگی

طولانی مدت در مقصد خود برنامه‌ریزی کرده باشند. کلاف سردرگم بازسازی‌های روحی و مادی ناشی از جنگ، همچنان فشار بر ساختارهای رژیم را حفظ می‌کند.

جنگی که در آن شکست حاصل شده است، نیاز به واکاوی دارد. سیاستمداران، دستگاه‌ها و نظامیانی که در این شکست دست داشته‌اند باید شناسایی شده و از کار برکنار شوند. بدون برکناری آنها ضعف‌ها باقی می‌مانند اما از بد حادثه، برکناریشان نیز می‌تواند رژیم را در کوتاه‌مدت به شدت تضعیف کند. بنیامین نتانیاهو به‌عنوان نخست‌وزیر، هرتز هالوی، رئیس ستاد ارتش و دیوید بارزیا، رئیس موساد اصلی‌ترین متهمان شکست در جنگ هستند.

با وقوع جنگ، آمریکا به‌طور مستقیمی وارد مناسبات داخلی فلسطین اشغالی شد و عملاًکنترل و هدایت برخی امور را در دست گرفت. منازعه میان آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها پس از جنگ بر سر حیطه‌بندی این ورود مستقیم، یکی از تبعات پایان جنگ است. اگر حضور آمریکا در حین جنگ لازم و مورد پذیرش صهیونیست‌ها بود، پس از آتش بس این وضعیت بلعکس خواهد شد.

با توقف درگیری‌ها، ظرفیت‌های بین‌المللی که متوجه جنگ غزه شد و برای شکستن محاصره و پایان جنگ تلاش می‌کردند، بر پیگرد جنایتکاران جنگی متمرکز خواهند شد. تنها در یک نمونه، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه تأکید کرده «از طریق بیش از ۲۰۰۰ وکیل» از طرف‌های ذی‌ربط علیه کشتار جمعی در غزه شکایت خواهد کرد.

مهم‌ترین مساله اما ظرفیت حماس برای تداوم مقابله با رژیم صهیونیستی است. صهیونیست‌ها از این پس باید خود را برای ضربات متعدد و سخت بیشتر آماده کنند. شهرهای صهیونیست‌نشین باید به صدای آژیر عادت کنند و هر لحظه آماده جنگی دیگر باشند. مقاومت با عملیات طوفان الاقصی ظرفیت و توانمندی‌های خود را نشان داد و بعید است از این پس نخواهد از این ظرفیت برای مقابله با جنایت‌های طرف مقابل استفاده کند.

چرا طرح حصر اقتصادی رژیم و اقدام یمن مهم بود؟

توقیف کشتی تجاری متعلق به یک تاجر صهیونیست در دریای سرخ تهدید یمن، تهدید همزمان «باب‌المندب» و «کانال سوئز» بود. تهدید این دو گذرگاه آبی، تجارت بین‌المللی را که ۹۰ درصد آن از مسیرهای دریایی صورت می‌گیرد، به‌مخاطره می‌انداخت.

یحیی سریع، سخنگوی ارتش یمن در بیانیه‌ای اعلام کرده بود کشورش کشتی‌هایی را که حامل پرچم رژیم با متعلق به شرکت‌های صهیونیستی باشند، توقیف خواهد کرد حتی اگر توسط این شرکت‌ها اجازه شده باشند. هرچند این تهدید در راستای محاصره رژیم تلقی می‌شد اما از دو جنبه تهدیدی علیه حامیان تل‌آویو نیز به حساب می‌آمد؛ نخست آنکه تسلط غرب بر کشتیرانی بین‌المللی که از طریق ادعای تأمین امنیت خطوط شناخته می‌شود، به خطر می‌افتاد و دوم آنکه تبحار صهیونیست در مبادلات تجاری جهانی فارغ از صادرات و واردات به فلسطین اشغالی فعال بودند و تحت تعقیب قرار دادن‌شان زبان‌هایی را متوجه تجارت جهانی می‌کرد. این تهدید جهان را بیش‌ازپیش به قضیه فلسطین متوجه می‌کرد. به‌عبارتی به خطر افتادن تجارت دریایی باعث می‌شد طرف‌های ذی نفع برای رفع بحران به‌دنبال رفع زمینه‌آن یعنی «جنگ غزه» باشند.
فراتر از فشار طرف‌های بین‌المللی به رژیم صهیونیستی برای توقف جنگ در غزه برای کاستن از مخاطرات تجارت دریایی، تل‌آویوو به‌لحاظ داخلی نیز تحت فشار قرار می‌گرفت. تبحار و باندهای اقتصادی که در سیاست داخلی رژیم و لابی‌های صهیونیستی دارای نفوذ بودند، علیه جنگ که منافع اقتصادی‌شان را به‌خطر انداخته بود، فعال شدند. این‌گونه نتانیاهو از دو جبهه سیاست بین‌الملل و سیاست داخل تحت‌فشار قرار گرفت. از سوی دیگر، اگر تجارت دریایی رژیم آسیب می‌دید، امکان تدارکات‌رسانی به تل‌آویوو تضعیف می‌شد، حتی اگر متحدان رژیم تصمیم می‌گرفتند مبلغ کلان‌تری به صهیونیست‌ها کمک کنند، امکان ارسال کامل آنها در زمانی کوتاه وجود نداشت. این پدیده ارتش و جامعه رژیم را با چالش مواجه می‌کرد، زیرا با توقف کسب‌وکارها تأمین معیشت صهیونیست‌ها برعهده دولت بود. به‌طور خاص‌تری افرادی که درون پناهگاه‌ها و اردوگاه‌های موقت آوارگان قرار داشتند با کمک‌های «انگلیس» و «آلمان» زندگی خود را می‌گذراندند اما ارسال این تدارکات نیازمند استفاده از بنادر بود.

توقیف نفتکش صهیونیست‌ها در یکشنبه هفته جاری (۲۸ آبان) که توسط دست‌کم ۱۰ کماندوی یمنی که توسط یک بالگرد میل-۸ حمل می‌شدند، شاید اهمیتی به اندازه عملیات ۷ اکتبر داشت. عملیات نخست دولت، ارتش و دستگاه اطلاعاتی رژیم را دچار فروپاشی کرد و عملیات دوم آن این دستاورد را تثبیت کرد.

